

اصول حاکم بر مصرف در جهت رشد و توسعه پایدار بر مبنای اندیشه امام خمینی (س)

افتخار دانش پور^۱

چکیده: ارائه الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت، در گرو بستر سازی و تمهید مقدماتی جهت نیل به رشد و توسعه پایدار است. نظام حقوقی اسلام نیز بی توجه به سیر پیشرفت مسلمانان نبوده، پشتوانه های محکم فقهی را برای ایجاد انگیزش و وصول به این مطلوب در نظر گرفته است. تأثیر این انگیزش تا جایی است که بر پایه همین پشتوانه های ارزشمند، علی رغم فشارهای خصمانه اقتصادی دشمنان جهت فروپاشی انقلاب اسلامی ایران، با رهبری امام راجل به عنوان فقیهی نوآندیش، پایه اقتصاد کشور از حالت مصرف زدگی زمان طاغوت، به سوی رفتار صحیح مصرف، رهنمون گشت تا زمینه سرمایه گذاری، خود کفایی، تولید ملی، رشد و توسعه پایدار فراهم گردد. از آنجا که تفکر و اندیشه امام نقشه راه و کلید بسیاری از مسائل کشور در نظر گرفته می شود، در شرایط حساس کنونی نیز، یکی از پیش شرط های لازم و پیشگیرانه که از طریق آموزش و فرهنگ سازی، باید به حفظ آن جهت نیل به توسعه پایدار، مبادرت ورزیم، رعایت اصول حاکم بر مصرف جامعه اسلامی است.

این نوشتار بر آن است تا پیوند مؤثر بین رعایت رفتار مصرفی صحیح و رشد و توسعه پایدار را تشریح نموده و مستندات فقهی انگیزش حرکت برای آحاد جامعه را در این راستا تبیین نماید. بدیهی است اعتقاد به مبانی ایمانی دینی همچون اصل پذیرش ولایت الهی، کرامت ذاتی انسان و هدفمندی حیات وی در جهت آخرت، باعث شکل دهی نگرش جدیدی در مقوله مصرف شده و موازین فقهی ای همچون حرمت اسراف و تبذیر

E-mail: efdaneshpoor@gmail.com

۱. استاد یار دانشگاه مذاهب اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲۵

پژوهشنامه متین / سال هفدهم / شماره شصت و هفت / تابستان ۱۳۹۴ / صص ۹۵-۷۳

و جریان برخی قواعد، همچون نفی سبیل و اعانه بر ائمه و عدوان، می‌تواند انگیزش حمایت از تولید داخلی و حرکت به سوی رشد و توسعه پایدار را فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: مصرف، میانه‌روی و اعتدال، فشارهای اقتصادی، قدرت و عزت مسلمین، حمایت از تولید داخلی، توسعه پایدار.

مقدمه

مصرف به عنوان یک متغیر، می‌تواند بر سایر متغیرهای اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری و تولید تأثیرگذار باشد. از این رو در پی انقلاب صنعتی در جهان غرب و انگیزه تولید فراوان، ترفندهای نظام سرمایه‌داری بر تبلیغات مصرف بیشتر کالاها جهت نیل به تولید انبوه و کسب درآمد بیشتر متمرکز شد. برای توسعه و گسترش این امر، بهترین گزینه، دستیابی به بازارهای کشورهای جهان سوم بود که به دلیل داشتن منابع غنی انرژی، هم تأمین‌کننده مواد اولیه بوده و هم بستر مناسبی برای فروش تولیدات کارخانجات غربی به شمار می‌رفتند؛ اما نیل به این مطلوب، آنها را با مانعی جدی مواجه نمود؛ و آن حاکمیت فرهنگ اصیل دینی اسلامی بر بخشی عمده‌ای از این کشورها بود که مردمانش با اعتقاد به قناعت و ساده زیستی، مستقبل گرم کالاهایشان نبودند.

بدین ترتیب بر آن شدند تا با هجوم فرهنگی علیه این ارزش‌ها به تغییر خط مشی مصرفی مردم بر آمده و با استمداد از حربه تبلیغات، سرانجام، آنان را به جوامع مصرفی مبدل نمایند.

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت مجدد ارزش‌های دینی، علی‌رغم فشارهای خصمانه اقتصادی دشمنان برای فروپاشی انقلاب، با رهنمون‌های امام راحل، نظام اقتصادی کشور از حالت مصرفی به سوی رفتار انسانی اسلامی مصرف، به پیش رفت تا زمینه سرمایه‌گذاری و شکوفایی اقتصادی در مسیر توسعه پایدار فراهم گردد و همین نگرش اقتصادی منجر به دوام و پایداری نظام و تقویت استعدادهای درونی گشت تا امروز که در سایه لطف و عنایت خداوند منان، به بالاترین پیشرفت‌های علمی صنعتی از جمله انرژی هسته‌ای بر آمده‌ایم.

بنابراین در شرایط حساس کنونی نیز در جبهه مقابله اقتصادی با دشمنان، یکی از پیش شرط‌های رسیدن به رشد و توسعه پایدار، مبتنی بودن مصرف با آموزه‌ها و رویکردهای دینی است که از طریق فرهنگ‌سازی صحیح، همچنان باید به حفظ آن مبادرت ورزیده و به لحاظ علمی به بحث و نظر درباره اصول حاکم بر آن از منظر فقه اسلام و اندیشه فقهای عاقل‌گرا همچون امام خمینی پرداخته شود تا از این رهنمون، بتوانیم برنامه عملی مؤثر اقتصادی را در کشور پیاده و الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت را به جهان امروز، معرفی کنیم.

مفهوم مصرف

مصرف واژه‌ای عربی به معنی برگرداندن چیزی از حالتی به حالت دیگر یا تبدیل کردنش به غیر خودش می‌باشد (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۴۸۲) و در فارسی به هزینه و خرج کردن تعبیر می‌شود.

در علم اقتصاد، مصرف، اتلاف یک ثروت به منظور ارضای یک حاجت است (ژانتی ۱۳۵۱: ۲۹۵). همچنین فرآیندی است که در آن، ارزش استفاده چه به صورت تبدیل آن در فرآیند تولید، چه به صورت استفاده ناب و ساده در هنگام مالکیت برای ارضای نیازها از بین می‌رود (رازقی ۱۳۷۴: ۳۵).

از آنجا که دین اسلام، به هیچ وجه مخالف دستیابی به پیشرفت و توسعه اقتصادی نیست، موازین و اصولی را برای مقوله مصرف به عنوان یک عامل زیربنایی در این باره معین می‌کند، که از زوایای علمی قابل بررسی هستند.

اصول حاکم بر مصرف جامعه اسلامی

با توجه به اینکه مجموعه دستورات هر آیینی برگرفته از جهان بینی آن است، دین جاودان اسلام نیز مستثنی از این امر نبوده، به همین جهت، احکام و ایدئولوژی مصرف نعمات در آن، با جهان بینی‌ای که به پیروانش ارائه می‌دهد، قابل تبیین است؛ همین مسأله باعث بروز نگرشی متفاوت در چگونگی بهره‌مندی از نعمات مادی برای یک فرد مسلمان می‌شود. در این مجال میانی چنین دیدگاهی را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم:

الف) اصل پذیرش ولایت الهی

اعتقاد به اعتباریت مالکیت انسان در این جهان خاکی و اینکه مالکیت او در طول مالکیت حقیقی آفریدگار هستی است، می‌تواند موجب رویکرد ویژه‌ای برای بهره‌گیری یک مسلمان از نعمات الهی باشد. چنانچه خداوند متعال می‌فرماید:

«قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ...» (آل عمران: ۲۶).

برخی مفسرین در این رابطه بر این نظرند که ملکیت حقیقی و اعتباری تمام عالم از آن خداوند متعال است و می‌تواند در همه اجزا به هر طوری که بخواهد تصرف نماید. او مالیک تمام عالم است چون دارای ربوبیت و قیمومت مطلقه است و به تعبیر قرآن «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»

(بقره: ۲۵۵) تمام مخلوقات، مملوک خداوند و قائم به ذات اویند. همچنین ملکیت او از نوع ملکیت طولی و مالک هر چیزی است که در دست مردم است؛ زیرا او شارع هر قانون است. در نتیجه به حکم خودش در آنچه که ملک مردم است، تصرف قانونی می کند، همچنانکه یک ملیک بشری در آنچه که در دست رعایای خود است، تصرف می کند (طباطبایی ۱۳۸۶ ج ۳: ۲۰۵-۲۰۱).

پیامبر اکرم (ص) در مقام توصیف مالکیت پروردگار می فرمایند: «الی المالك لما ملكهم اياه» و خدا مالک آن چیزی است که بندگان را مالک آن کرده است (مجلسی ۱۴۰۳ ج ۷۷: ۱۴۰).

امام راحل نیز در تفسیر مالکیت الهی می فرمایند: «بدان که مالکیت حق تعالی مثل مالکیت بندگان نیست مملوکات خود را؛ و مثل مالکیت سلاطین نیست مملکت خود را چه که اینها اضافاتی است اعتباریه... گرچه در نزد علمای فقه این طور مالکیت برای حق تعالی طولاً ثابت است...» (امام خمینی ۱۳۷۰: ۲۶۹). همچنین در جای دیگری می فرمایند:

ان كان بمعنى المالکية... فله ملک السماوات والارض و ملکوتهما. ولا يمكن الفرار من حکومته و الخروج من مملکته؛ لانبساطها على کل الموجودات... و كذلك سلطنته مبسوطة على کل مراتب الوجود و ما من شیء الا هو تحت سلطنته و مالکيته... (امام خمینی ۱۴۲۳: ۱۴۰-۱۳۹).

خدای تعالی را مالک ملک هستی می دانند و تمام عطیات را از آن ذات مقدس می دانند، و قبض و بسط وجود و کمال وجود را، از ذات مقدس به حسب ترتیب نظام و مصالح کامنه می دانند (امام خمینی ج ۱۳۸: ۵۶۱).

با توجه به این نگرش، نحوه تنعم و برخورداری یک مسلمان در جامعه اسلامی از بهره های مادی و دنیوی معطوف به چارچوب و دامنه حدود الهی می گردد و با پذیرش اصل ولایت الهی، محدوده ای برای جواز یا منع تصرفات مطرح می شود که هر مسلمانی در مقام تسلیم فرامین الهی، خود را ملزم به تبعیت از آن می داند.

ب) اصل کرامت ذاتی انسان و بهره مندی از نعمات الهی

کرامت در لغت به معنی بخشش، بزرگواری و کریم شدن، عزیز و ارجمند شدن، اعتبار، حیثیت و آبرو آمده است (دهخدا ۱۳۷۳ ج ۱۱: ۱۶۷۱-۱۶۷۰؛ طریحی ۱۳۷۵ ج ۹: ۱۵۳) و در مفهوم اصطلاحی خداوند متعال آن را به عنوان یک اصل آفرینش در سرشت انسان یادآور شده و همه افراد بشر را از همان

ابتدای خلقت، شرافت و عزت بخشیده و با تسلط آنان بر پاره‌ای مظاهر (برو بحر) طبیعت آنان را اشرف مخلوقات معرفی نموده است (اسرا: ۷۰).

اندیشه کرامت ذاتی انسان و محترم بودن وی، قدمتی به اندازه تاریخ انسان و تفکر بشری دارد و دارای سابقه‌ای کهن در ادیان مختلف الهی است. در تفکر اسلامی، اصل کرامت ذاتی انسان و لزوم احترام به او، امری مسلم و متیقن است. در این تفکر، انسان موجودی است که خلقتش در بهترین شکل و هیأت صورت گرفته و به بیان «نفخت فیه من روحی» به «روح الهی» شرافت یافته است (حجر: ۲۱) و به همین دلیل با وجود داشتن جسمی خاکی، مسجود ملائکه واقع شده است (حجر: ۳۱-۳۰) و مقام جانشینی پروردگار را در این عالم از آن خود نموده است (بقره: ۳۰) این عالی‌ترین مرتبه حیات در بین موجودات عالم است.

مفسرین علت این وجه تمایز را چنین برمی‌شمرند:

مقصود از تکریم بنی آدم، اختصاص دادن او به عنایت و شرف خاص است که در غیر بشر نباشد و فرقی با تفضیل آن است که شخص مورد تفضیل با غیرش در اصلی مشترکند ولی از غیرش بیشتر دارد؛ اما خصوصیت منحصر به فرد بنی آدم که خداوند سبحان به او مکرمت فرموده، نعمت عقل است و تفضیل او بر سایر موجودات، بیشتر داشتن خصوصیات غیر از عقل از سایر موجودات است (طباطبایی ۱۳۸۶ ج ۱۳: ۲۱۵-۲۱۴).

البته این نظر خالی از مناقشه نیست؛ با توجه به اینکه در آیات الهی، اعطای مکرمت به بنی آدم به طور مطلق و خالی از هرگونه قیدی بیان شده (اسرا: ۷۰)، مقبولیت این ادعا به جهت خصوصیت منحصر به فرد عقل، در وجود آدمی، چندان قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد و در صورت تأیید این رأی می‌بایست قائل به زوال کرامت اعطایی در صورت زوال عقل گردیم که با اصل ذاتی بودن کرامت انسان منافات دارد. به موجب آیات الهی، انسان به صرف انسان بودن، دارای کرامت و احترام است و سایر ویژگی‌ها نظیر رنگ، نژاد، زبان، ملیت و... اهمیت و دخالتی در کرامت ذاتی انسان ندارد.

از نظر برخی متفکرین، کرامت ذاتی یا تکوینی همان طبیعت و شرافت طبیعی است که انسان به لحاظ انسان بودن، حائز آن است و کسی نمی‌تواند این ویژگی را از وی سلب نماید؛ زیرا جعل آن الهی بوده و جعل الهی، امری تکوینی وجودی است که با جعل بشری بی‌اعتبار نمی‌شود (طباطبایی ۱۳۸۶ ج ۲: ۲۰).

در فرمایشات امام راحل نیز معیار برخورداری از کرامت، انسانیت انسان معرفی شده و مادامی که بنی آدم صدق نماید، کرامت از دیدگاه ایشان پایدار است. در این باره می‌فرماید:

کرامت ذاتی یعنی انسان هر مذهب و ملیتی که داشته باشد، کرامت و احترام حق اوست، خواه هندو باشد یا مسیحی، اسلام برای همه احترام قائل است» (امام خمینی ۱۳۷۸: ۴۶۲).

بنابراین به تسخیر در آمدن عالم طبیعت برای انسان به اذن تکوینی و تشریحی الهی و دوری جستن از خبائث، جلوه‌های وجه کرامت انسانی است که در پی این جایگاه رفیع، برخورداری از رفاه مادی و طبیعت دنیا، اصلی‌گریز ناپذیر است، آیات متعددی با تعبیر گوناگون، بیانگر مسخّر بودن موجودات مادی برای انسان و غایت دار بودن آنها جهت منفعت و رشد انسانی معرفی شده‌اند. «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹) «وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ» (ابراهیم: ۳۳) از این رو هر انسانی به حکم الهی، حق بهره‌مندی از تمام نعمات را داشته و کسی نمی‌تواند بنا به مالکیت پروردگار این حق را از او بازستاند.

ج) اصل هدفمندی حیات انسان و تداوم آن در آخرت

در نگرش دینی، در کنار اعطای الهی حکم کرامت ذاتی به انسان و حق برخورداری از نعمات دنیوی، انجام رسالتی بزرگ بر دوش وی افکنده شده و به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین پروردگار، حامل امانت الهی در این دنیای خاکی است که به اقتضای پذیرش این امر، در زندگی دنیوی خود باید به دنبال کمالات الهی رفته و منافع مادی را جز برای نیل به رشد و تکامل معنوی خویش و رضای الهی مصرف نکند (طباطبایی ۱۳۸۶ ج ۱۶: ۵۳۰).

از این رو، ادله‌ای مبنی بر سختی معیشت انسان و ناچیز بودن متاع و بهره‌های دنیوی سخن می‌گویند که هر کدام در معنای خاص خود منافاتی با تکریم شخصیت انسانی ندارد.

برخی دلالت دارند بر اینکه رنج حیات دنیا امری عرضی و به خاطر رفتارهای بد خود انسان است (طه: ۱۲۴) برخی نیز به مقایسه دنیا و آخرت و ناچیز انگاری بهره‌های دنیا در برابر عظمت نعمت‌های اخروی نظر دارند و بدین ترتیب دنیا را منزل نهایی نمی‌دانند (اعلی: ۱۷-۱۶) بر اساس میل فطری بشر به جاودانگی، استعدادها و گرایش‌های بشری با مقصد دنیا در تعارض بوده و تمام رفاه و راحتی دنیا در قیاس با مطالبات فطری، اندک و پرزحمت می‌نماید که بیانگر اقتضای ذاتی حیات دنیا در مقایسه با حیات برتر بشری است (بلد: ۴). برخی از ادله قرآنی نیز به سختی‌های طبیعی زندگی

دنیا ناظر است که نتیجه نظام علی و معلولی است. رفاه و راحتی دنیا در گرو کار و تلاش و مراقبت دائمی است و همچنین رفاه اخروی نیز چنین مراقبت و استقامتی را می طلبد (جن: ۱۶). برخی نیز به تراحمات وجود بشری در دنیا و آخرت و انتخاب ارادی آنها توسط انسان اشاره دارند (شمس: ۸؛ کهف: ۲۹).

بنابراین انگیزه همه رفتارهای انسان اسلامی بر اساس «بیشینه کردن لذت‌های دنیایی و آخرتی و کمینه کردن رنج‌های دنیایی و آخرتی با تقدم لذت‌ها و رنج‌های آخرتی بر دنیایی» استوار است. از این رو مقوله‌ای مثل تخصیص درآمد (مصرف) نیز با همین انگیزه جهت دهی می شود. مسلمان به دنبال آن است که آن را جهت نیل به هدف مزبور هزینه نماید و از آنجا که پای لذت و رنج اخروی رفتارها در میان است، بی نیاز از وحی، امکان دستیابی به این هدف از طریق عقل وجود ندارد، از این رو به آموزه‌های الهی نیازمند است (ر. ک میر معزی ۱۳۷۸: ۷۸-۶۳).

بدین ترتیب گرایش به دنیا و جلوه‌های دنیوی مثل مال دوستی، بخل، حرص، تجملات و... در مقابل گرایش به جاودانگی و لقای الهی، عبادت و تسلیم و رسیدن به نعمات اخروی معرفی شده است (جمعی از فضلابی تا: ۴۱).

از این رو حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «من ابصر بها بصرته و من ابصر الیها اعمته» هر کس به سمت دنیا برود و آن را وسیله عبرت قرار دهد، بصیرت می‌یابد و هر که به دنیا چشم بدوزد، کور می‌شود (نهج البلاغه خطبه ۸۲: ۱۳۶).

با توجه به این رویکرد دنیا برای آخرت معرفی می‌شود (قصص: ۷۷) و تمامی احکام فقه؛ قوانین مربوط به تجارت، معاملات، نکاح، طلاق و... برای تأمین مصالح دنیا و ناشی از سیاستگذاری شارع در جهت تأمین سعادت ابدی است؛ زیرا نعمات مادی و شکوفایی اقتصادی باید در خدمت فکر و فرهنگ متعالی بشر باشد و گرنه سبب غفلت و موجب هلاکت خواهد بود.

بنابراین از دید یک مسلمان، اصل هدفمندی حیات دنیوی به سوی مطلوبات جاودان اخروی، ترسیم کننده تمام برخوردارای های دنیوی انسان از جمله رفاه و راحتی و رشد اقتصادی است که باید در جهت سعادت آخرت؛ کسب اخلاق، رسیدن به قرب و رضای الهی، خدمت به خلق خدا و سایر اهداف دینی صرف گردد و تمام رونق دنیا برای رسیدن به آرمانی والاتر که عبارت است از فکر و فهم، تدبیر، تکامل اختیاری و... در نهایت ذکر الهی است. این همان امانت بزرگی است که

بردوش بشر نهاده شده و تمام کائنات برای نیل به آن در خدمتش خدمتگزاری می‌کنند تا به شایستگی رسم امانت داری را به انجام رساند.

د) اصل ارزش نبودن مصرف

در تعقل ابزار^۱ به عنوان اساس مدرنیته، حساسگیری و فایده طلبی به عنوان رفتارهای انسانی موضوعیت داشته و جنبه‌های مثبت آن مورد تأیید اسلام می‌باشد. گذشته از آن، اسلام به تعقل ارزشی^۲ نیز معتقد است (ر. ک: موسایی ۱۳۷۴: ۱۲۰). در تعالیم دینی، عقل به عنوان سرآغاز همه کارها و نقطه شروع و مایه استحکام و آبادانی همه آنها (کلینی ۱۳۹۰: ۱: ۱۹)، حجت نهان الهی (قریشی ۱۳۵۴: ۲۸)، گرامی‌ترین مخلوق خدا (کلینی ۱۳۹۰: ۱: ۲۹) و مایه رستگاری (مجلسی ۱۴۰۳: ۱: ۱۹۸) مطرح شده است.

مدخلیت تعقل در مصرف (عقل معاش)، موجب استفاده از نعمت‌های الهی در حدی است که انسان بتواند حیات و سلامت خود را حفظ نموده و با نشاط کامل به انجام وظایف فردی و اجتماعی بپردازد و این امر مطلوبی از نگاه دینی بلکه واجب و لازم شمرده می‌شود. از سویی دیگر آموزه‌های دینی بر بهبود کیفیت حیات و آراستگی ظاهر هر فرد تأکید داشته و تظاهر به فقر و فلاکت را نکوهش می‌کند (اعراف: ۳۲). در همین رابطه امام صادق (ع) می‌فرماید:

«خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد و فقر و تظاهر به آن را ناپسند می‌شمرد. خدای متعال دوست دارد وقتی نعمتی به بنده‌اش عنایت فرمود، اثر آن را در زندگی او ببیند» (حرعاملی ۱۴۰۱: ۳۴۱).

مطابق با تعقل ارزشی دینی، برخورداری از ثروت و مال، علامت بزرگی و کرامت افراد تلقی نشده و آنها نمی‌توانند اموال و ثروت خود را هر مقداری و در هر راهی مصرف نمایند. در این رابطه امام صادق (ع) می‌فرماید:

آیا چنین تصور می‌کنی که خداوند به دلیل کرامتش به فردی مالی بخشیده و شخص محروم را خوار می‌نماید؟ هرگز، بلکه مال، مال خداست و آن را نزد افراد به امانت می‌گذارد و برایشان روا می‌دارد که از آن با میانروی

۱. Rationality Instrumental

۲. Rationality Value

بخورند، بنوشند، بیوشند، زنا شوی کنند و از مرکب بهره برند و هر چه جز آن باشد، به فقرای مؤمن دهند و به نابسامانی آنان سامان بخشند. پس هرکس چنین کند، خوردنی، نوشیدنی، سواری مرکب و زناشویی او حلال و هرکس چنین نکند، بر او حرام خواهد بود (نوری ۱۴۰۸ ج ۱۵: ۲۷۰).

بنابراین انسان اسلامی در جایگاه برترین آفریده هستی، سزاوار است که با نیروی عقل و اختیار، ضمن بهره‌مندی درست و بجا از امکانات مادی دنیا بر مراتب شناخت و کمالات خود در مسیر طاعت الهی بیفزاید. در این مورد پیامبر اکرم خطاب به ابوذر غفاری می‌فرمایند: «سزاوار است که در انجام هرکاری حتی خوابیدن و خوردن، انگیزه الهی داشته باشی» (طبرسی ۱۳۹۲: ۴۶). داشتن تعقل ارزشی در مقوله مصرف و ارزشمند نبودن صرف آن در دید یک مسلمان، وجه تکامل به آن بخشیده است، از این رو انگیزه‌های معقول و منطقی مصرف در سطح کلان جامعه اسلامی در مقایسه با جوامع غیر مسلمان به ویژه جوامع مبتنی بر نظام سرمایه‌داری، وسیع‌تر است و گستره آن لزوماً به معنی افزایش میزان مصرف نیست.

در جامعه اسلامی با افزایش درآمد افراد، الزامی برای افزایش هزینه‌های مادی وجود نداشته و درصدی از آن برای مطلوبیت‌های ناشی از امور معنوی هزینه شده و صرف مصرف در جامعه، ارزش تلقی نمی‌گردد (ر. ک: خلیلیان اشکذری ۱۳۸۹: ۹۴-۷۳). این مهم نیز از ویژگی‌های اصول حاکم بر مصرف جامعه اسلامی به شمار می‌آید.

محدودیت‌های ناشی از رعایت اصول اسلامی حاکم بر مصرف

در اقتصاد کلاسیک، محدودیت‌ها به دو قسم فردی و نهادی تقسیم می‌شود. محدودیت‌های فردی ناشی از استعدادها و امکانات فرد است و محدودیت‌های نهادی نیز به وسیله ساختار نظام اقتصادی بر فرد تحمیل می‌شود مثل نرخ قیمت‌ها در بازار که تعیین‌کننده میزان توان افراد در مصرف خواهد بود (میرمعزی ۱۳۸۴: ۵۹-۳۳).

در کنار این دو قسم از لحاظ اسلامی و با توجه به تعقل ارزشی مذکور، قسم سوم نیز اضافه می‌شود که از آن تعبیر به محدودیت‌های شرعی می‌شود؛ زیرا اسلام برخلاف نظام سرمایه‌داری که مبتنی بر آزادی مصرف در مقابل سود حداکثری است، به منظور حفظ مصالح فرد و جامعه، موازینی را هم برای تولید و هم برای مصرف قرار داده است. از این رو، مصرف برخی کالاها و

انجام برخی معاملات، فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها ممنوع شده است. ممنوعات شرعی محدودکننده مصرف دو نوعند: برخی صرف در آمد برای خرید و فروش کالایی خاص را ممنوع می‌کند؛ مثلاً مصرف خوک، شراب، نجاسات، خرید و فروش آلات قمار، لهو و لعب، غنا و کتب و مقالات گمراه‌کننده، همچنین صرف در آمد در قماربازی و رشوه حرام شده است (ر. ک امام خمینی ۱۴۲۱: ج ۲؛ ۲۱۵؛ انصاری ۱۳۷۶ ج ۱: ۴۲؛ نجفی ۱۳۸۵ ج ۲۲: ۱۵-۱۱).

برخی رفتار اقتصادی ویژه ای را به لحاظ مصرف حرام نموده‌اند، مواردی از این نوع را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) حرمت کنز اموال

در اسلام ذخیره و انباشت اموال حرام شمرده شده است (توبه: ۳۵-۳۴). و حقوق واجبی بر آن مترتب است؛ از جمله انفاق در راه خدا. از این رو مسلمان حق ندارد، در آمد خود را به انگیزه انباشت ثروت بدون پرداخت حقوق الهی نگه دارد (میر معزی ۱۳۸۲).

بنابراین دیگرگرایی مصرف‌کننده مسلمان فقط به فکر رفع ضرورت‌های خود نبوده و در حد توان به فکر محرومان و افراد بی بضاعت جامعه نیز باید باشد؛ زیرا در غیر این صورت، روحیه خودگرایی و تنگ‌نظری در زندگی رواج یافته و آنگاه نه تنها به فکر محرومان جامعه نبوده، بلکه گاهی برای جمع اموال و ثروت بیشتر، از هزینه کردن برای خود و خانواده اش نیز مضایقه کرده و آنها را در تنگنا قرار می‌دهد.

تأکید قرآن بر انفاق و ادای حقوق واجب مالی و ترغیب به آن (انفال: ۲؛ آل عمران: ۱۳۲؛ بقره: ۳؛ نساء: ۳۹؛ ذاریات: ۱۶؛ لیل: ۱۸-۱۷) افزون بر رفع فقر و محرومیت با هدف تقویت ارزش‌های معنوی به ویژه روحیه دیگرگرایی و در نهایت ایثار و گذشت در افراد جامعه صورت گرفته است.

ب) حرمت ربا

ربای معاملی و ربای قرضی نیز در اسلام حرام است. بنابراین مصرف در آمد تحت عنوان پس‌انداز برای یک مسلمان در بانک‌های ربوی، جایز شمرده نمی‌شود (نجفی ۱۳۸۵ ج ۲۵: ۱۱-۵).

ج) حرمت تبذیر و اسراف

تبذیر در معنای لغوی جداسازی و پراکندن و از نگاه مفسرین در معانی کاربردی ضایع و فاسد کردن مال، اضرار به دیگران، انفاق مال در راه نامشروع مانند قمار، زنا، غنا، شراب خواری و... به کاررفته (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۱۱۴-۱۱۳؛ طریحی ۱۳۷۵: ۳: ۲۱۷) و در قرآن با صراحت حرام اعلام شده و اهل آن به عنوان برادران شیطان معرفی شده‌اند (اسراء: ۲۷-۲۶).

اسراف نیز در معنای لغوی تجاوز از حد تعادل، و از نگاه مفسرین نیز در معنای کاربردی مال حرام خوردن، در خوردن مال حلال زیاده روی کردن، عجله در خرج ثروت و دارایی، ضد قصد (اعتدال) و... به کاررفته است (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۴۰۴؛ ابن منظور ۱۴۱۴: ۹: ۱۴۸؛ فراهیدی ۱۴۲۱: ۷: ۲۴۲؛ طریحی ۱۳۷۵: ۵: ۶۹) همچنین اسراف از گناهان بزرگی است که قرآن کریم ۲۳ بار آن را محکوم نموده است که حدود پنج مورد از آن مربوط به مسائل مادی است (انعام: ۱۴۱؛ شعرا: ۱۵۱ و...). اسراف مال گاه در مفهوم صرف آن در راهی به مقدار بیش از حد تعادل (فرقان: ۶۶) و گاه درباره استفاده ناقص یا نادرست یا بیش از حد نیاز از کالای مصرفی (اعراف: ۳۷) یا سرمایه‌ای به کار می‌رود (محمدی ری شهری ۱۴۱۶: ۱۲۷).

اسراف با این معنای عام شامل تبذیر (ولخرجی و صرف مال در راه‌های نامشروع)، اتراف (خوشگذرانی و لذت جویی افراطی) و اتلاف مال که در آیات و روایات تحریم شده‌اند نیز می‌شود (حسینی ۱۳۷۹: ۱۴۸-۱۴۱؛ حکیمی ۱۳۷۰: ۴: ۲۳۱).

نقطه مقابل اسراف، «قتر» به معنی کم کردن هزینه و نفقه، تنگ نظری در معیشت و خرج زندگی (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۶۵۵) است، همچنین به معنی خرج کردن مال به گونه‌ای که انسان را از مرگ نجات داده و فقط رمقی برای او باقی بماند، نیز به کار رفته (فراهیدی ۱۴۲۱: ۵: ۱۲۴) و در آموزه‌های دینی از نشانه‌های کوتاه نظری معرفی شده و قرآن کریم به شدت از آن نهی فرموده است (عبس: ۴۱؛ یونس: ۲۶؛ اسراء: ۱۰؛ بقره: ۲۳۶؛ فرقان: ۶۷).

اقتار ناشی از برخی رذایل اخلاقی همچون بخل است. از این رو تعالیم اسلامی، انسان را از آن برحذر داشته و بر توسعه زندگی بر اهل و عیال تأکید دارد. امام رضا(ع) در این مورد می‌فرماید: «شایسته است مرد بر خانواده‌اش ایجاد گشایش نماید تا آرزوی مرگ او را ننمایند» (حرعاملی ۱۴۰۱: ۲۴۹).

رعایت اعتدال، اصلی مطلوب و حاکم بر مصرف جامعه اسلامی است، که از آن در روایات تعبیر به اقتصاد می‌شود. حد اوسطی که در آن اسراف و تقتیر (سخت‌گیری) نباشد، یکی از مسائل مهمی است که همواره مد نظر اقتصاد اسلامی است که کمتر مورد توجه تحلیل‌گران اقتصادی قرار گرفته است.

مصرف زائد یا اسراف در مصرف در سطح کلان جامعه، آثار و پیامدهای منفی بسیاری دارد. در مقابل استفاده درست و بهینه از منابع اقتصادی، کشور را به سمت رفاه و غنای مادی حرکت می‌دهد. اقتصاد اسلامی، هرگونه تلاش برای ترویج مصرف بی‌رویه در جامعه را به طور مستقیم و غیر مستقیم ممنوع می‌داند. بدیهی است در صورت مصرف بیش از حد نیاز، باید محصول بیشتری جهت مصرف اسراف‌ی تولید شود، در نتیجه عوامل تولید، از کار، سرمایه، زمین، مواد اولیه و... بیشتری باید صرف تولید گردد؛ مفهوم این موضوع آن است که منابع بیشتری را صرف کنیم تا تولید بیشتری بنماییم، ولی مطلوب ما در همان نقطه قبل بماند و رفاهی حاصل نشود و به کارگیری این همه عوامل و منابع کاری عبس به نظر آید.

این درحالی است که اگر مصرف کنندگان اقدام به جلوگیری از اسراف نمایند، عملاً با کار کمتر، همان مطلوبیت سابق را به دست خواهند آورد. از سویی دیگر، طبق نظریات اقتصاددانان نوکلاسیک، در مورد نظریه عرضه نیروی کار نیز، کارگر برای حداکثر سازی مطلوبیت خود در اتخاذ تصمیمی برای انتخاب میزان ساعات کار و استراحت، ترکیبی از آن دو را انتخاب می‌کند که با مشخصه‌های اقتصادی و رفتاری هماهنگ‌تر باشد. وقتی تقاضای نیروی کار در اثر جلوگیری از اسراف کم شود، آثار آن بر رفتار کارگر نیز قابل بررسی خواهد بود: ۱. عرضه کار خود را بیشتر می‌کند؛ ۲. عرضه کار در همان سطح باقی بماند؛ ۳. عرضه نیروی کار کمتر شود. در هر سه حالت این تحولات، با توجه به سختی رو به پایین دستمزد، سبب بهبود درآمد و ازدیاد زمان استراحت کارگر می‌شود، در نتیجه بهبود رفاهی وی را نیز موجب خواهد شد.

بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که جلوگیری از اسراف، سبب رفاه حال جامعه که متشکل از نیروی کار است، می‌شود و جامعه به سوی الگوی توسعه پایدار رهنمون می‌گردد. این همان رفتار اقتصادی انسانی است که در حیطه اقتصاد نوکلاسیک این‌گونه تعریف می‌شود: «حداکثرسازی منافع با توجه به محدودیت منابع» (ر.ک: بیدل ۱۳۸۷: ۶۴-۶۱).

با اینکه برخی اسراف را خارج از حیطه احکام شرعی (حدود) دانسته و آن را از مباحث اخلاق معرفی نموده و قائلند که ترغیب و تشویق باید از طرف همه ناصحان و زعما در ارتباط با آن صورت گیرد تا جامعه مجاب شود که مصرف زائد بر نیاز خود را حذف کند (بیدل ۱۳۸۷: ۶۴)، با این حال احکامی همچون کراهت و حرمت شرعی در این زمینه مطرح شده است، بدیهی است که مرتکب آن دچار معصیت الهی خواهد شد و همین می تواند مهم ترین ضمانت اجرا برای روگردانی از این خصیصه باشد.

برخی فقهای معاصر در این رابطه قائل به کراهت اسراف و استحباب میانه روی شده اند (طباطبایی حکیم ۱۴۱۷ ج ۳: ۶۹۴) و بسیاری از فقها نیز در قالب اتفاق و اجماع، سخن از حرمت اسراف به میان آورده اند (ابن ادریس ۱۴۱۰ ج ۱: ۴۴) و حتی گروهی آن را جزء ضروریات دین دانسته اند (نراقی بی تا: ۲۱۷).

امام راحل نیز به عنوان یک فقیه نواندیش، اسراف و تبذیر را حرام دانسته (امام خمینی ۱۳۸۰ ج ۳: ۵۰) و از گناهان کبیره بر شمرده اند (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۲۱۵).

ایشان در فرمایشات خویش، عالمان دانشمند را مورد خطاب قرار داده و جلوگیری از اسراف و تبذیر را جزء اهم مسائل کشور معرفی و به شدت خواستار اجتناب از آن شده اند و در این راستا همه را در پیشگاه حق تعالی مسئول دانسته اند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۳۸۸).

با توجه به اصل تابعیت احکام از مصالح و مفاسد، دستیابی به منافع حاصل از رعایت الزامات فقهی در مقوله مصرف و چگونگی تخصیص درآمد، امری مسلم خواهد بود که کمترین وجه آن در قالب خرد و کلان، افزایش سرمایه و تولید در جهت حرکت به سوی رشد و توسعه پایدار است که به تفصیل به شرح برخی مستندات فقهی آن و نقش زیربنایی مصرف و اصول حاکم بر آن در ساختار این حرکت می پردازیم:

مستندات فقهی انگیزش حرکت به سوی رشد و توسعه پایدار

بر اساس آموزه های اسلام، جامعه مسلمین باید از قدرت و عزت جهانی برخوردار باشد. اسلام دین پیشرفت و تکامل در عرصه های مادی و معنوی بشر است و به همین دلیل، فراگیری دانش و آگاهی که مستلزم کسب قدرت و عزت باشد را ضروری و لازم می شمرد (کلینی ۱۳۹۰ ج ۱: ۹۰-۸۷).

از سوی دیگر با توجه به مبتنی بودن آموزه‌های دین با نظام فطری بشر، اعتقاد اسلام به توسعه در زمینه‌های مختلف مادی و اقتصادی، مقدمه خصیصه کمال طلبی فطری بشری است که یک فرد مسلمان را به آن دعوت می‌کند؛ از این رو، تشویق به توسعه به معنی وضعیتی است که در آن امکان تکامل انسان وجود دارد. چنانچه افراد معتقد به جبر بوده و خود را فاقد هرگونه قدرت اختیار در شکل دهی مسیر حیات خود بدانند، هرگز نمی‌توانند آفرینندگان بنای عظیم توسعه باشند، این در حالی است که از نظر اسلام، افراد به لحاظ فطری از عنصر اختیار برخوردارند و این اولین نکته‌ای است که مراتب اعتقاد به توسعه و تحول و ایجاد دگرگونی‌های حساب شده توسط انسان را لازم و ضروری برمی‌شمرد.

بنابراین بکارگیری صحیح اصول حاکم بر مصرف جامعه اسلامی، می‌تواند پیش نیاز نظری و عملی مهمی در جهت نیل به رشد و توسعه پایدار باشد؛ چون لازمه چنین جامعه‌ای برخورداری از یکسری ویژگی‌هاست که دستیابی به قدرت و عزت از اهم آنها به شمار آمده و گام نهادن در این مسیر، زمینه کسب آن را برای مسلمین فراهم می‌آورد.

شایسته است در این مجال برخی ادله و مستندات فقهی این انگیزش و ارتباط مؤثر آن با اصول حاکم بر مصرف را مورد عنایت قرار دهیم:

الف) قاعده نفی سبیل

از دیدگاه فقه اسلامی، هرگونه سلطه‌یابی کافران بر مسلمین و تسلط‌پذیری مسلمانان از کفار، ممنوع می‌باشد؛ زیرا عزت مسلمین اقتضا می‌کند که تحت ولایت و سیطره کفار نباشند، این امر به عنوان یک قاعده بر تمام احکام اولیه، حکومت واقعی داشته و به مقتضای آن هر عقد، پیمان و قراردادی که به حسب طبع اولی، موجب علو عزت و شرف کافر بر مسلم شود، منفی بوده و اعتبار حقوقی ندارد (موسوی بجنوردی ۱۳۸۵: ۲۶۶) فروعاً و نتایج این قاعده در مواردی مثل حق شفعه کافر در مقابل مسلمان، ولایت پدر کافر بر پسر مسلمان، قصاص مسلمان در برابر کافر، بقای زوجیت زن مسلمان شده با شوهر کافر و... در فقه اسلامی قابل بررسی است (موسوی بجنوردی ۱۳۸۲: ۲۰۷-۱۹۳؛ نجفی ۱۳۸۵ ج ۳۷: ۴۹۲).

در سیره عملی امام راحل نیز می‌توان ردپای این قاعده را پیگیری نمود. امام پس از تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی مورخ چهارم آبان ماه ۱۳۴۳ در صدر اعلامیه خود چنین

آوردند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» و سپس ابعاد فاجعه پیش آمده را برای مردم تشریح نموده و سلطه کافران را برای مردم مسلمان ایران در این لایحه، غیرقانونی و مخالف اسلام و قرآن دانستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۴۰۹؛ ر. ک: روحانی بی تاج ۱: ۷۲۹).

با توجه به بیان اصل مدخلیت زمان و مکان در صدور احکام از سوی امام راحل به عنوان فقیهی نواندیش در عرصه فقهت شیعه، تغییر مصادیق سیل در این قاعده سبب می شود که امروز در شرایط ویژه و حساس اقتصادی ایران اسلامی که بهترین راه برون رفت از چالش های پیش روی آن، تقویت راه کارهای اقتصاد مقاومتی معرفی شده است، این قاعده به خوبی ضرورت عقلی رعایت منافع ملی را در به کارگیری اصول حاکم بر رفتار مصرف روشن ساخته و وجوب شرعی آن را توجیه و مستند می سازد؛ چرا که رسیدن به استقلال همه جانبه واقعی و حفظ کرامت و شرافت برای افراد یک ملت، زمانی ممکن می شود که همگان در برابر منافع ملی و مصالح عمومی جامعه خود حساس بوده و آن را بر نفع شخصی و حتی منافع گروهی ترجیح دهند؛ این مطلب به یک لحاظ می تواند به صورت فردی بررسی شده و به لحاظی دیگر و با توجه به شرایط حساس، عنوان فقه حکومتی را پیدا کند، بنابراین گاهی تجارت در ارتباط با مصالح مسلمین حکم دیگری می یابد که با توجه به شرایط حساس کنونی، موضوع دفاع در برابر تاکتیک های تهاجمی دشمنان خواهد بود.

براین اساس شهروندان جامعه اسلامی، می بایست در رفتار مصرفی خود به گونه ای عمل نمایند که با حرکت روبه رشد اقتصادی برای رسیدن به توسعه ای مستقل و خود اتکا هماهنگ باشند. بدین لحاظ اولویت گذاری و توجه به اهم و مهم در سطح خرد و کلان، یکی از اصول عقلایی مصرف است که شرط اساسی و زیربنایی رعایت منافع و مصالح ملی است.

امروزه با توجه به اینکه دشمنان محارب با کیان اسلام بیشتر داعیه جنگ اقتصادی را سر می دهند و به فکر ضربه و سلطه اقتصادی می باشند، بداهت لزوم دفاع همگانی در این زمینه روشن می شود.

امام راحل در این باره می فرماید: اگر به واسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری اجانب خوف آن باشد که تسلط بر بلاد مسلمین پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان، دفاع به هر نحو که ممکن است، و قطع ایادی اجانب. چه عمال داخلی باشند یا خارجی (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۳۷۹-۳۷۸ م ۴؛ ب ۱۳۸۱: ۴۵۶ م ۲۸۲۹).

آنچه مسلم می‌باشد، آن است که تبیین علمی و تحقق عینی این قاعده استراتژیک در جامعه مسلمین، سد محکم و بنیان مرصوص مستحکمی در مقابل سیل و هجمه همه جانبه کفار خواهد بود.

ب) قاعده حرمت اعانه بر اثم و عدوان

در دنیای امروز با توجه به متغیرهای زمانی و مکانی می‌طلبد که افراد یک جامعه مسلمان، توجه بیشتری بر رفتار مصرفی خود داشته و در مقابله با خطرات و تهدیدات دشمنان، حرکتی پیشگیرانه نمایند. همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) ایجاد زمینه قوی اقتصادی و محافظت از آن ضروری است و با همین قدرت مالی است که می‌توان از طریق آن تألیف قلوب نموده و برخی از دشمنان را به نظام اسلامی خوش بین و یا شر آنها را کم نمود.

از این رو، با توجه به زیر بنایی بودن رعایت اصول حاکم بر مصرف در جهت حفظ منافع ملی و توسعه اقتصادی پایدار، به نظر می‌رسد هرگونه بی‌توجهی یا کم‌توجهی از سوی شهروندان مسلمان نسبت به این مسأله مهم، می‌تواند از مصادیق اعانه بر اثم و تعدی و تجاوز اقتصادی دشمنان علیه کیان اسلامی تلقی شود.

امام راحل نیز هرگونه خیانت اقتصادی به نظام اسلامی را از مصادیق معونت بر ظلم دانسته و در این رابطه می‌فرماید: «...بازرگانی که با اسرائیل و عمال اسرائیل روابط تجاری دارند، خائن به اسلام و مسلمانان و کمک کار به هدم احکام هستند، و بر مسلمانان لازم است با این خیانت کاران... قطع رابطه کنند...» (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۴۵۷، مسأله ۲۸۳۴) این فرمایش امام در شرایط فعلی با توجه به تحریم های اقتصادی دشمنان و تشکیل جبهه واحد علیه نظام جمهوری اسلامی، بر بسیاری از مصادیق سوء رفتار مصرفی مسلمین نیز می‌تواند قابل صدق باشد و تحقق عینی خیانت و اعانه بر ظلم به شمار آید. نمونه آن گسترش قاچاق کالا و استفاده بی‌رویه از کالای خارجی مشابه تولید داخل است که به منظور کمک به حفظ منافع ملی در جهت توسعه پایدار، نیازمند انگیزش و عزمی ملی برای مبارزه با آن می‌باشیم.

ایجاد انگیزش و تشویق برای مصرف تولیدات داخلی

امام خمینی به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی به منظور ایجاد انگیزش و تشویق جهت مصرف تولیدات داخلی و فرهنگ سازی در این رابطه می‌فرماید:

بر دولتها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۱۷).

حقیقت منظور این فرمایش آن است که در سایه اقتصاد مقاومتی به آنچه قادر به ساختش هستیم، اکتفا نموده تا به تدریج پلکان ترقی اقتصادی را طی کرده و در نهایت، سازنده همه چیز کشور خود باشیم.

گذشته از وابستگی، مضرات خرید و مصرف کالای خارجی تا بدانجاست که به ایجاد اشتغال برای جوانان خارجی و بیکاری فرزندان کشورمان می‌انجامد. با خرید هر یک قلم کالای خارجی، معضل بیکاری را در کشور تشدید نموده و با خرید هر یک قلم کالای داخلی، گامی در راستای اشتغال جوانان برمی‌داریم. خرید و مصرف تولیدات داخلی، چرخ کارخانجات را به حرکت در می‌آورد؛ اما متأسفانه بسیاری از افراد جامعه، توجه خاصی به کیفیت کالاهای خارجی داشته و تنها بر خورداری یک کالا از نشان خارجی، آنها را به سوی خود جذب می‌کند. این باور به گونه‌ای است که به عنوان یک افتخار محسوب می‌شود.

جالب اینجاست که در حال حاضر بسیاری از سودجویان نیز با بهره‌گیری از این باور غلط، تولیدات خود را با نشان‌های خارجی در بازار عرضه و با قیمتی گزاف به راحتی به فروش می‌رسانند. همین باعث شده که در زمینه تجارت نیز، تجار به خاطر انتفاع بیشتر، کالاهای بی‌کیفیت سایر ممالک را با بهای بسیار نازل خریداری و از مبادی رسمی یا غیر رسمی (قاچاق) وارد کشور نمایند و با قیمت ارزان در بازار توزیع کنند و همین باعث کاهش کیفیت تولیدات داخلی در رقابت با اجناس خارجی نیز می‌شود.

این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته، افراد از یک حمیت و توجه خاص نسبت به تولیدات خود برخوردارند و برایشان مهم نیست که کدام کالای کشورهای بیگانه، از کیفیت بیشتری بهره‌مند است، بلکه برای آنها، مهم محصول تولیدی در کشور خودشان و به دست فرزندان‌شان و با سرمایه ملی‌شان است و به همین دلیل است که آنها به سرعت به توسعه مطلوب، دست پیدا کرده‌اند. در عین حال مصرف‌کننده کالای خارجی همواره منافع کوتاه مدت و سطحی

خود، یعنی قیمت ارزان را در بهترین حالت و کیفیت در نظر می‌گیرند اما از منافع عمیق و بلند مدت خرید کالای داخلی؛ ایجاد اشتغال و تولید ثروت و رفاه، غافل است.

بدون تردید، در وضعیت موجود، حمایت از تولیدات داخلی یک ضرورت است و در صورت رشد و توسعه داخلی می‌توان شرایط رقابت داخلی و خارجی را برای واحدهای تولیدی فراهم نمود. از سوی دیگر باید با رویکردی اقتصادی، روند ورود کالا را با توان اقتصادی کشور هماهنگ و مدیریت کنیم تا از معضلاتی همچون پدیده قاچاق کالا نیز مصون بمانیم.

چنانچه استقبال عمومی مردم در کشوری اسلامی از کالاهای خارجی به اقتصاد مسلمین ضربه وارد کند، این امر از نظر فقهی و فتوایی حرام شمرده می‌شود. مصداق عینی این فتاوا با توجه به عرق و حمیت ملی مذهبی ایرانیان از سابقه‌ای دیرین برخوردار است، به عنوان مثال حدود یک قرن پیش، مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی، که امام راحل ارادت خاصی به این فقیه و عالم مجاهد داشته‌اند، با عده‌ای از علمای بزرگ زمان خود اطلاعیه‌ای را به امضا می‌رسانند که مبین اتحاد و حمایت علمای بزرگ در آن روزگار از اقتصاد کشور اسلامی در مقابل خرید کالای خارجی است که به موجب آن علما و حوزویان در آن دوران با توجه به نقش مهمشان در نوشتن اسناد و احکام، متفق می‌شوند تا در نوشتن اسناد، فقط از کاغذ ایرانی که در آن دوران تولید اندکی داشته، استفاده کنند و حتی در تکفین مردگان نیز، پارچه‌های ایرانی را به کار برند و... (ر.ک: نجفی ۱۳۷۱: ۸۵-۸۴).
امام راحل نیز همچون اسلاف صالح، فتوای خود را در این زمینه چنین مطرح می‌کنند: «اگر در روابط تجاری با اجانب خوف آن است که به بازار مسلمین صدمه اقتصادی وارد شود و موجب اسارت تجاری و اقتصادی شود، واجب است قطع این گونه روابط و حرام است این نوع تجارت» (امام خمینی ب ۱۳۸۱: ۴۵۷-۴۵۶م ۲۸۳۱).

از این موارد چنین برداشت می‌شود که از گذشته علما در توسعه فرهنگ مصرف تولیدات داخلی پیش قدم بوده‌اند و در عصر امروز نیز این فرهنگ همچنان نیاز به بازخوانی و اجرا دارد ولی با کمال تأسف در روزگار کنونی، تعارض بین فرهنگ اصیل و سنتی و فرهنگ وارداتی صرفاً مصرفی، موجبات ناسازگاری و تشتت اجتماعی را دامن زده و ثبات و امنیتی را که برای توسعه لازم است، با مشکل مواجه می‌سازد (ر.ک: موسایی ۱۳۷۴: ۲۴۱-۲۲۹).

ادله توسعه فرهنگ کار و تلاش در جامعه اسلامی و مذمت فقر و عقب ماندگی

از آنجا که اسلام، داشتن قدرت و عزت را برای جامعه مسلمان ضروری بر شمرده و هرگونه سلطه کفار را مذموم تلقی می‌کند، راه کارهایی را جهت نیل به این اهداف ارائه می‌دهد. بخشی از راه کارهای آموزه‌های دین بر مراقبت از سیاست‌گذاری‌ها و رفتارهای برون مرزی در مناسبات بین‌المللی است و بخشی از آن از طریق توصیه به نیروهای داخلی جامعه و مربوط به آحاد مردم است؛ ترغیب به گسترش فرهنگ کار و تلاش جهت توسعه و رفاه مادی و اقتصادی، جلب سرمایه و ثروت و مذمت فقر و عقب ماندگی از جمله سیاست‌گذاری‌های پیشنهادی شارع مقدس برای رشد و توسعه پایدار بوده که ضامن قدرت و عزت کیان اسلامی است.

نظام اسلامی به لحاظ اقتصادی در میدان رقابت و نبرد با نظام‌های رقیب، باید توان تعقیب اهداف خود را داشته باشد. مهم‌ترین سیاست این تعقیب، داشتن قدرت مالی است. به همین جهت فقر به شدت در فرهنگ دینی، مورد مذمت واقع شده و برای جلوگیری از آن، دعوت و ترغیب به کار و تلاش صورت گرفته است، تا جایی که در ادله دینی، نفس کار در محدوده امور حلال، چه به تولید ثروت بینجامد یا نه، مطلوب معرفی شده و مورد ترغیب قرار گرفته است (ر. ک: محمودی و بهاری بی تا: ۵۰-۴۱؛ الهادی ۱۴۰۳: ۳۲-۱).

کار و تلاش برای رفع نیازهای شخصی و حفظ آبرو و برآوردن هزینه‌های خانواده، سیره انبیا و امامان بوده است (حرعاملی ۱۴۰۱ ج ۱۲: ۶۵-۵۰) و از اقسام عبادات، نوعی جهاد در راه خدا و مایه سعادت در آخرت شمرده شده است تجارت حتی در صورت بی‌نیازی، برای در اختیار داشتن ثروت یا خدمت به مردم یا اهداف صحیح دیگر نیز می‌تواند مد نظر باشد و ترک آن مذموم شمرده شود.

در مورد ترغیب به کار و تلاش و مذمت فقر، امام صادق (ع) می‌فرماید: «هرکس کسب و کار را رها کند، دعایش مستجاب نمی‌شود» (حرعاملی ۱۴۰۱ ج ۱۲: ۱۵) همچنین می‌فرماید: «از رحمت الهی به دور باشد، کسی که آب و خاک بیابد و باز فقیر و مستمند بماند» (حرعاملی ۱۴۰۱ ج ۱۲: ۲۴). بنابراین بر اساس تعالیم دینی و بر پایه عقل و تجربه، رعایت اصول مصرف، تأثیر بسزایی در ساماندهی امر اقتصادی و کاهش هزینه‌ها و در نتیجه، پیشگیری از فقر و عقب ماندگی فرد و جامعه دارد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن: ۱۶) «و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم».

آب فراوان در این آیه شریفه مصداق عینی توسعه است. بنابراین توسعه، حاصل حرکت جمعی و اجتماعی تک تک آحاد جامعه با هر مذهب و نژادی است. بدون استقامت و تلاش جمعی، توسعه امکانپذیر نیست و آن زمانی است که با همدلی، احساس مشترک بر نیل به اهداف توسعه و تحول جامعه داشته باشیم. امروز دفاع استراتژیک در جامعه جهانی، ایستادگی در مقابل دشمن و حضور در خط مقدم جبهه و مبارزه نیست، بلکه مقاومت در جبهه اقتصادی است، از این رو یکی از مصادیق مبارزه در این جبهه، بهره‌گیری از تولیدات داخل و کمک به رشد و پویایی اقتصادی است، بدین ترتیب دولت اسلامی نیز با اتخاذ تدابیر مدیریتی لازم این توان را پیدا می‌کند تا با کمک مالکیت انفال، سطح متعادل زندگی (کفاف) را برای همه مردم تأمین و تضمین نموده و رفاه و آسایش فراگیر گردد.

بدیهی است، عدم رعایت اصول صحیح مصرف، به تدریج منجر به ایجاد اهداف تبعیض آمیز و بروز معضل عدم رعایت مساوات اجتماعی خواهد شد که رفته رفته باعث عدم تشریک مساعی افراد جامعه و همسو نشدن آنان با اهداف توسعه شده و پیمودن مسیر آن را نیز با مشکل مواجه می‌سازد. در این بین عده‌ای از نیروهای جامعه حذف و احتمالاً طبقه‌ای که خود را ممتاز می‌داند، نیروی خود را صرف حذف دیگران نموده و مقداری از نیروی آنها نیز کاهش می‌یابد. این هدر رفتن و عدم استفاده از امکانات جامعه، امری است ضد توسعه و عاقبت آن عقب ماندگی است که به هیچ وجه غایت دین نبوده و زمینه تسلط دشمنان و خواری و ذلت مسلمین را به دنبال خواهد داشت. پس اندکی تأمل و تعقل در این موضوع با همدلی و بصیرتی واقع‌گرایانه، می‌تواند گشاینده شاه راه رستگاری و فوز دنیا و آخرت باشد.

پیشنهادهای

ارتقای تدریجی سطح فرهنگ عمومی و آگاهی جامعه (سالم سازی فرهنگی) با استفاده از نهاد تعلیم و تربیت و تبلیغات رسانه‌ای در راستای حاکمیت اصول اسلامی بر رفتار مصرفی افراد و جلوگیری از گسترش فرهنگ رفاه زده و مصرف بی‌رویه؛ چراکه اصلاح رفتار مصرف مردم به طور ناگهانی و با صدور بخشنامه عملی نمی‌شود.

تنظیم قوانین مدون اقتصادی در حمایت از تولید داخلی و صدور احکام حکومتی با توجه به شرایط زمانی و مکانی، جهت جلوگیری از واردات و گرایش به کالای خارجی مشابه تولید داخل؛

تأمین نیازهای واقعی، معقول و مشروع جامعه (رفاه عمومی) و از میان برداشتن اختلاف طبقاتی با تعدیل ثروت در اقشار مختلف و مقابله با هرگونه فعالیت اقتصادی مخرب در این مورد.

جمع بندی

در این نوشتار با بهره گیری از تحقیقات پیشین و منابع مختلف و با عنایت به آموزه های برگرفته از آیات الهی و کلام معصومین^(ع) و فرمایشات امام راحل به این نتایج دست یازیدیم:

- مصرف به عنوان یک متغیر اقتصادی است که می تواند بر سایر متغیرها از جمله تولید و خودکفایی تأثیرگذار باشد.

- اصول اعتقادی حاکم بر مصرف مبتنی بر اصل ولایت پذیری، کرامت ذاتی انسان و هدفمندی حیات وی برای آخرت استوار است؛ بدین ترتیب توجه به آنها نگرش جدیدی در این راستا به وجود آورده و مصرف را از صرف ارزشگذاری خارج نموده و محدودیت هایی بر آن مترتب می شود.

- با توجه به برخی مستندات فقهی از جمله قاعده نفی سیل و اعانه بر اثم، می توان قائل به پیوند عمیق و مؤثری بین رعایت رفتار تعادلی مصرف و توسعه پایدار شد که از این ارتباط، انگیزش حرکت و تلاش به سوی رشد و تعالی در جامعه مسلمین قابل استنتاج است.

- یکی از مصادیق مهم عینی این موضوع، با توجه به شرایط زمانی و مکانی، رعایت رفتار عادلانه مصرف در بهره مندی هرچه بیشتر از تولیدات داخلی و منع بی رویه مصرف کالای خارجی مشابه تولید داخل است، که منجر به رفع بیکاری و توسعه اشتغال، رونق تولید، مبارزه با قاچاق و... در نهایت خود اتکایی، رشد و توسعه پایدار اقتصادی می گردد.

منابع

- نهج البلاغه.
- ابن ادریس، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ق) *السرائر*، قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴ق) *لسان العرب*، بیروت: دارصادر، چاپ سوم.
- الهادی، جعفر. (۱۴۰۳ق) *الشؤون الاقتصادية فی نصوص الكتاب والسنة*، اصفهان: منشورات مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی(ع)، چاپ اول.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۰) *آداب الصلوة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول.

- _____ . (۱۳۸۰) *استفتانات*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ هشتم .
- _____ . (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ چهارم .
- _____ . (الف) (۱۳۸۱) *تفسیر سوره حمد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ ششم .
- _____ . (ب) (۱۳۸۱) *رساله توضیح المسائل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ سوم .
- _____ . (ج) (۱۳۸۱) *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ بیست و پنجم .
- _____ . (۱۴۲۳ق) *شرح دعاء السحر*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ دوم .
- _____ . (۱۴۲۱ق) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول .
- _____ . انصاری، شیخ مرتضی . (پاییز ۱۳۷۶) *مکاسب*، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم .
- _____ . بیدل، بیژن . (مهر ۱۳۸۷) «اسراف و اقتصاد اخلاق»، *فصلنامه بانک و اقتصاد*، شماره ۹۲ .
- _____ . جمعی از فضلا (آیات مظاهری، خرازی، استادی و . . .) . (بی تا) *موازنه اسلامی بین دنیا و آخرت*، قم: نشر مؤسسه راه حق .
- _____ . حر عاملی، محمد بن حسن . (۱۴۰۱ق) *وسائل الشیعه*، تهران: مکتب الاسلامیه .
- _____ . حسینی، سید رضا . (۱۳۷۹) *الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف کننده مسلمان*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر .
- _____ . حکیمی، محمد رضا . (۱۳۷۰ش) *الحیاه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی .
- _____ . خلیلیان اشکدزی، محمد جمال . (بهار و تابستان ۱۳۸۹) «مبانی مصرف جامعه اسلامی و راه کارهای اصلاح آن»، *فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی*، شماره ۲ .
- _____ . دهخدا، علی اکبر . (۱۳۷۳) *لغت نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول .
- _____ . رازقی، ابراهیم . (۱۳۷۴) *الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی*، تهران: انتشارات چاپ پخش .
- _____ . راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن فضل . (۱۴۱۲ق) *المفردات فی ترمیم القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالعلم دارالشامیه .
- _____ . روحانی، سید حمید . (بی تا) *نهضت امام خمینی (س)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم .
- _____ . ژانتی، ژان مارسل . (۱۳۵۱) *اصول علم اقتصاد*، ترجمه هوشنگ نهاوندی، مؤسسه عالی حسابداری .
- _____ . طباطبایی، سید محمد حسین . (۱۳۸۶) *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ اول .
- _____ . طباطبایی، فاطمه . (۱۳۸۶) *اصول و مبانی کرامت انسان*، تهران: نشر موج، چاپ اول .
- _____ . طباطبایی حکیم، محمد سعید . (۱۴۱۷ق) *مصباح المنهاج*، بی جا: انتشارات یاران .
- _____ . طبرسی، رضی الدین . (۱۳۹۲ق) *مکارم الاخلاق*، بیروت: منشورات الاعلمی للمطبوعات .
- _____ . طریحی، فخرالدین . (۱۳۷۵) *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم .
- _____ . فراهیدی، خلیل بن احمد . (۱۴۲۱ق) *کتاب العین*، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم .
- _____ . قریشی، علی اکبر . (۱۳۵۴) *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول .

- کلینی، یعقوب. (۱۳۹۰) *اصول کافی*، ترجمه حسین استاد ولی، تهران: دارالتقلین، چاپ اول.
- مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۳) *بحارالانوار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۴۱۶ق) *میزان الحکمه*، قم: دارالحدیث.
- محمودی، مالک و ابراهیم بهاری. (بی تا) *تأمین اجتماعی در اسلام*، تهران: انتشارات مسجد الغدیر.
- موسایی، میثم. (۱۳۷۴) *دین و فرهنگ توسعه*، تهران: معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۵) *قواعد فقهیه*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- موسوی بجنوردی، میرزا حسن. (۱۳۸۲) *القواعد الفقهیه*، تحقیق مهدی مهریزی و محمد حسین درایتی، قم، دلیل ما.
- میرمعزی، سیدحسین. (۱۳۸۲) «مفهوم کنز از دیدگاه علم اقتصاد و اندیشمندان اسلامی»، *مجله نامه مفید*، سال نهم، شماره ۲۵.
- _____ . (۱۳۷۸) *نظام اقتصادی اسلام، اهداف و انگیزه‌ها*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- _____ . (زمستان ۱۳۸۴) «الگوی مصرف کلان در جامعه اسلامی»، *مجله اقتصاد اسلامی*، شماره ۲۰.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۸۵) *جواهرالکلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ یازدهم.
- نجفی، موسی. (۱۳۷۱) *عرفان مرجعیت و سیاست*، قم: دفتر نشر اسلامی.
- نراقی، احمد. (بی تا) *عوائدالایام*، قم: کتابخانه بصیرتی، چاپ سنگی.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق) *مستدرک الوسائل*، بیروت: آل البيت لاحیاء التراث.